

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و باز تولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی: مطالعه‌ای کیفی بر جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران حسین محمودیان* علی قاسمی اردهائی**

تاریخ دریافت: ۷ تیر ۱۳۹۱

تاریخ پذیرش: ۶ شهریور ۱۳۹۱

چکیده

مهاجرت از عوامل مهم در توسعه منطقه‌ای و مورد توجه در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و جمعیتی یک کشور است. در ایران این پدیده جمعیتی-اقتصادی توزیع مناسبی را در بین استان‌های کشور ندارد. از جمله نامتوازن‌ترین جریان‌های مهاجرت، مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران است. گستردگی و شدت آن موجب گردیده‌است که در اکثر مناطق استان تهران شاهد خوشه‌های مهاجر از استان آذربایجان شرقی باشیم. مطالعه کیفی از نوع گروه‌های متمرکز جریان مهاجرتی مورد اشاره نشان می‌دهد که مهاجران پیشگام آن از موقعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری نسبت به بومیان مبدأ و مقصد برخوردار بودند. آنها با بهبود نسبی وضعیت اقتصادی خود، جهت کمک به وضع مالی خانواده و خویشاوندان نزدیک‌شان، وجوه ارسالی را به خاستگاه‌های روستایی خود می‌فرستادند. این امر و نیز اشتیاق روستاییان جهت بازدید از وضعیت زندگی مهاجران در نواحی پایتخت، موجب گردید که رفت و آمد و ارتباط اولیه بین مبدأ و مقصد به وجود آید. تشدید دامنه این ارتباطات و نیز تشویق و کمک مهاجران پیشگام باعث شد که مهاجرت‌های شبکه (زنجیره)‌ای از استان آذربایجان شرقی (بیشتر با مبدأ روستایی) به استان تهران آغاز گردد. این امر موجب شد تا به رفتار مهاجرتی به‌عنوان یک اصل در جهت پیشرفت و بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوارهای روستایی توجه شد. پذیرش و درونی کردن این رفتار جمعیت‌شناختی در برخی از مناطق استان آذربایجان شرقی به‌حدی است که خالی از سکنه شدن برخی از مناطق روستایی آن را در نتیجه مهاجر فرستی شاهد هستیم.

کلیدواژه‌ها: مهاجران پیشگام، شبکه‌های مهاجر، فرهنگ مهاجرت، گروه‌های متمرکز، آذربایجان شرقی.

* دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. hmahmoud@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). ardahaee@ut.ac.ir

مقاله حاضر مستخرج از رساله‌دکتری علی قاسمی اردهائی به راهنمایی دکتر حسین محمودیان و مشاوره دکتر محمد میرزایی و دکتر محمود قاضی طباطبایی است.

مقدمه

تأثیر مهاجرت‌های داخلی در جابجایی جمعیت ایران در سطح استانی قابل توجه است. از جمله استان‌های متأثر از مهاجرت داخلی می‌توان به استان‌های تهران و آذربایجان شرقی اشاره کرد. با توجه به نتایج سرشماری‌های انجام گرفته در ایران، طی سال‌های ۵۵-۱۳۳۵ استان تهران (استان مرکزی سابق) از نظر مهاجرت پذیر و استان آذربایجان شرقی از نظر مهاجرت فرستی در رتبه اول (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵) قرار گرفته‌اند. مطالعه روند مهاجرت بین استانی ایران طی سال‌های ۱۳۵۵ الی ۱۳۸۵ هم نشان می‌دهد که بیشترین مهاجران (بالای ۳۰٪) از مهاجران کل (همواره به استان تهران وارد شده‌اند و این استان بیشترین خالص مهاجرت را داشته است. در این مدت، استان آذربایجان شرقی هم همواره کمترین خالص مهاجرت را داشته است.

پس ملاحظه می‌شود که در نیم قرن اخیر، خیل عظیمی از جمعیت نقاط مختلف کشور به استان تهران روانه شده‌است. در این مدت زمانی، افزایش مهاجران از استان‌های ترک زبان نسبت به مهاجران سایر مناطق جغرافیایی چشمگیرتر بوده است. امروزه مهاجران استان آذربایجان شرقی بزرگترین گروه مهاجر به استان تهران را شکل داده و این مهاجران در بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اداری استان تهران نقش محوری دارند. سوال آغازین مقاله این است که "چرا مهاجرت زنجیروار از استان آذربایجان شرقی به استان تهران اتفاق افتاده و چطور این جریان مهاجرتی در طول زمان حفظ شده‌است؟"

در زمینه شناسایی مجموعه دلایلی که در افزایش مهاجران استان آذربایجان شرقی در استان تهران مشارکت دارند، می‌توان چندین عامل را برشمرد. عامل‌های سنتی جاذبه و دافعه از جمله تفاوت در دستمزد و شرایط استخدامی بین مناطق مبدأ و مقصد، توسط بسیاری از محققین (رانیس و فی^۱ ۱۹۶۱؛ ساستاد^۲ ۱۹۶۲، تودارو^۳ ۱۹۶۹؛ هاریس^۴ و تودارو ۱۹۷۰؛ تودارو و مارسکو^۵ ۱۹۸۷) مطرح شده است. وجود عوامل دافعه‌ای متنوع در استان آذربایجان شرقی همانند بیکاری، کم‌کاری (آسایش ۱۳۶۴)، تفاوت درآمد موردانتظار و اعتبارات سرانه در استان نسبت به سایر استان‌ها (بشیری ۱۳۸۲)، فقر، فشار زندگی، خشکسالی‌های بی‌درپی، وضعیت اقلیمی ناپایدار، ناپایداری کشاورزی (بیک‌محمدی و حاتمی ۱۳۸۹؛ مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری ۱۳۹۰)، و عوامل جاذبه‌ای در استان تهران همانند بی‌ثباتی درآمد و تخصیص ناعادلانه اعتبارات عمرانی به سایر نقاط کشور در رابطه با تهران (وزارت اقتصاد و دارایی ۱۳۷۵؛ مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری ۱۳۹۰)، اشتغال کاذب و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی بیشتر در تهران نسبت به سایر مناطق کشور (وزارت اقتصاد و دارایی ۱۳۷۵) و فراهم بودن شرایط شغلی و کار بهتر برای زنان در تهران (محمودیان و همکاران ۱۳۸۸)

1 Ranis and Fei

2 Sjaastad

3 Todaro

4 Harris

5 Maruszko

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

از آن‌جمله‌اند. علاوه بر عامل‌های سنتی جاذبه و دافعه، بایستی به عناصر دیگر مؤثر در این جابجایی جمعیت، همانند چرخش سریع اطلاعات درباره فرصت‌های شغلی و امکانات رفاهی موجود در تهران، حمایت‌های عاطفی و مالی در این جریان‌های مهاجرت نیز اشاره کرد. این موارد آخری به اهمیت شبکه‌های اجتماعی بر رفتار مهاجرتی تأکید دارد. بنابراین، یکی از عواملی که در شکل‌گیری جریان‌های مهاجرت می‌تواند مؤثر باشد، شبکه‌های اجتماعی مهاجران است.

همین که تعداد قابل توجهی از مهاجران در مقصد اقامت می‌گزینند، به دلیل اینکه مهاجرت ساختارهای اجتماعی را جهت حفظ روند به وجود می‌آورد، در نتیجه جریان مهاجرت استمرار می‌یابد (کاستلز و میلر^۱ ۲۰۰۹). جامعه‌شناسان تأکید دارند که شبکه‌های اجتماعی یک تأثیر قوی بر اندازه هزینه‌های مهاجرت دارد (مکنیز و راپ‌پرت^۲ ۲۰۰۷). اسپینوز^۳ و مسی^۴ (۱۹۹۷) در گزارش‌های خودشان آورده‌اند که شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در کاهش خطرهای عبور از مرزها در مهاجرت‌های بین‌المللی دارد. همچنین شبکه‌های اجتماعی باعث دسترسی افراد به اطلاعات درباره موقعیت‌های کاری و بازار کار شده و یکپارچگی اقتصادی را در جامعه مقصد برای مهاجران به همراه دارد (نگاه کنید به اوهلنبرگ^۴ ۱۹۷۳؛ ریتچی^۵ ۱۹۷۶؛ کارینگتون و همکاران^۶ ۱۹۹۶؛ مونشی^۷ ۲۰۰۳). بنابراین، ارتباط اجتماعی با فردی با تجربه مهاجرتی در مقصد خاصی، نشان دهنده منبع مهمی است که می‌تواند جهت تسهیل جابه‌جایی مورد استفاده قرار گیرد. مهاجران ترجیح می‌دهند مناطقی را برای مهاجرت انتخاب کنند که به زبان آن منطقه تسلط داشته و نزدیکی بیشتری به فرهنگ آنجا داشته باشند. شبکه‌های مهاجرت از طریق خویشاوندان، دوستان و سایر هم‌ولایتی‌ها، موارد گفته شده را برای مهاجر فراهم تسهیل می‌نماید.

در این مقاله بر این توجه شده است که وجود شبکه‌های اجتماعی بین مبدأهای روستایی استان آذربایجان شرقی و مناطق دریافت‌کننده مهاجر در استان تهران از طریق مهاجران، می‌تواند نقش مهمی در ایجاد و تداوم فرهنگ مهاجرت در مبدأهای روستایی داشته‌باشد. با فرض اینکه روابط اجتماعی که از طریق این شبکه‌ها به وجود می‌آید، جریان چرخش اطلاعات در زمینه جاذبه‌های موجود در استان تهران و نیز انطباق‌پذیری آنان را در مقصدهای غریب تسریع می‌کند. با محوریت رویکرد مفهومی-تحلیلی شبکه‌های اجتماعی مهاجران و با استفاده از روش تحقیق گروه‌های متمرکز، این مطالعه به مرحله اجرا درآمده است.

- 1 Castles and Miller
- 2 McKenzie and Rapoport
- 3 Espinos and Massey
- 4 Uhlenberg
- 5 Ritchey
- 6 Carrington et al
- 7 Munshi

بیان مسأله

در کنار سطوح بالای مهاجرفرستی استان آذربایجان شرقی و مهاجریذیری استان تهران، توجه به این مسئله حائز اهمیت است که طبق مستندات موجود در زمینه داده‌های مهاجرتی ایران، در طی قرن گذشته بیشترین مهاجرفرستی به استان تهران همواره از استان آذربایجان شرقی (آذربایجان سابق) بوده است. در اسنادی که توسط مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۹۰) در زمینه مهاجرت داخلی ایران طی سال‌های ۵۷-۱۳۱۱ جمع‌آوری شده است، سهم مهاجرت‌ها با جهت آذربایجان شرقی-تهران نسبت به سایر جهت‌گیری‌های جغرافیایی مهاجرت به‌راستب بیشتر است. در این اسناد، مکاتباتی درخصوص بازگرداندن ملاکین مهاجر آذربایجان از تهران، پیشنهادات جداگانه استاندار آذربایجان مبنی بر انجام تشریفات گمرکی بازرگانان آذربایجانی در محل سکونت‌شان و نیز ایجاد اشتغال به‌منظور جلوگیری از مهاجرت آنان به تهران، درخواست استاندار آذربایجان مبنی بر تهیه طرحی برای جلوگیری از مهاجرت اهالی روستاها و شهرستان‌ها به تهران و غیره، در طی دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ شمسی ملاحظه می‌شود. براساس نتایج سرشماری ۱۳۳۵، در شهر تهران حدود ۹۴ هزار نفر تبریزی و ۱۸۷ هزار آذربایجانی ساکن بوده‌اند، یعنی چیزی حدود ۱۳٪ جمعیت وقت تهران. طی سال‌های ۴۵-۱۳۳۵ نیز حدود ۲۶۵ هزار مهاجر از استان آذربایجان شرقی به تهران بزرگ وارد شدند که در رابطه با ۱۹ استان دیگر، نسبت خیلی بالایی (۲۶٪) را به خود اختصاص داده است. وضعیت مهاجرت بین استان آذربایجان- شرقی و تهران را طی سال‌های ۱۳۵۵ الی ۱۳۸۵ می‌توان در جدول شماره ۱ ملاحظه نمود.

جدول ۱- تعداد و درصد مهاجران بین استانی جابجا شده بین دو استان تهران و آذربایجان شرقی طی دوره ۸۵-۱۳۵۵

شرح	۱۳۵۵-۶۵*	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵
مهاجران وارد شده به استان تهران از استان آذربایجان شرقی	۲۰۶۹۰۰	۱۲۳۴۵۲	۱۷۲۶۲۹
درصد	۲۷/۹	۱۴/۷	۱۲/۰
مهاجران وارد شده به استان آذربایجان شرقی از استان تهران	۱۱۹۵۲	۳۳۰۶۲	۴۶۹۰۰
درصد	۳۰/۶	۲۶/۱	۲۹/۶

* استان اردبیل را هم شامل می‌شود.

منبع: محاسبه شده براساس نتایج تفصیلی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵

بنابراین، مطالعه تاریخی مهاجران وارد شده به استان تهران (مرکزی سابق) نشان می‌دهد که بیشترین واردشدگان همواره از استان آذربایجان شرقی بوده است، که این موضوع مخصوص دهه اخیر نبوده و در طی چندین دهه گذشته این جریان به‌طور زنجیروار و مستمر وجود داشته است. این امر گویای به‌وجود آمدن روابط و شبکه‌های اجتماعی و در نتیجه، شبکه مهاجرتی (مهاجرت زنجیره‌ای) در بین این دو منطقه جغرافیایی به‌نسبت دور از هم بوده است. مشخص است که مهاجرت به دلایل مختلفی می‌تواند انجام بگیرد و انگیزه‌های اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در این جابجایی جمعیت دارد. ولی در مهاجرت‌های زنجیره‌ای و خوشه‌ای از لحاظ جغرافیایی که مبدأها و مقصدهای خاصی را بهم پیوند می‌دهد، عامل اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند تبیین‌کننده

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

مناسبی باشد. در کنار این عامل بایستی سایر عوامل اجتماعی - فرهنگی از قبیل زبان و قومیت مشترک، نزدیکی جغرافیایی (اسکلدون^۱ ۱۹۹۷) و یا حتی جنگ و استعمار در سطح مهاجرت بین‌المللی (مسی و همکاران ۱۹۹۸؛ کاستلز و مایلر ۲۰۰۹) مورد توجه قرارگیرد. در زمینه مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران بر طبق اسناد تاریخی، گرچه در ابتدا نقش عوامل اقتصادی همانند فقر و بیکاری و عوامل اقلیمی همانند خشکسالی پررنگ‌تر بوده است، ولی بنظر می‌رسد که این عوامل در زمان حال نمی‌تواند تبیین‌کننده مناسبی برای این نوع جریان مهاجرتی باشد.

هم‌اکنون بیشتر مهاجران از استان آذربایجان شرقی به شهرهای پیرامونی تهران همانند شهریار، رباط کریم و اسلامشهر با سطوح اشتغال و توسعه‌یافتگی متوسط به پایین وارد می‌شوند. همچنین از اکثر شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت مهاجرینی را در میان ساکنین استان تهران مشاهده می‌کنیم (محمودیان و قاسمی‌ارهایی ۲۰۱۲). مهاجرینی ناهمگن از لحاظ موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی که در مناطق همگنی در استان تهران به صورت خوشه‌ای اقامت گزیده‌اند و می‌کنند. پس، جهت تحلیل مناسب‌تر این جریان مهاجرت، در کنار دیدگاه‌های اقتصادی و عامل‌های جاذبه و دافعه بایستی به دیدگاه‌های اجتماعی و عامل شبکه‌های اجتماعی توجه ویژه‌ای شود.

در کل، مستمر بودن جریان مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران حداقل طی یک قرن اخیر، نشان دهنده وجود ساختارهای علی و ویژه مهاجرت در بین این دو منطقه جغرافیایی است. این جابجایی جمعیت در حجم وسیع می‌تواند پیامدهای جمعیت‌شناختی، توسعه‌ای، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هم برای منطقه مبدأ و هم مقصد به همراه داشته باشد. مطالعه این جابجایی جمعیت با محوریت شبکه‌های اجتماعی مهاجران می‌تواند اطلاعات بیشتر و جدیدتری (افزون بر عامل‌های سنی جاذبه و دافعه) در زمینه چرایی مهاجرت مرتبط با مقصد، مبدأ و خود مهاجران ارائه نماید.

مبانی نظری

بنیان‌های نظری زیادی از سطح کلان تحلیل همانند نظریه جاذبه و دافعه^۲ تا سطح خرد همانند نظریه انتخاب عقلانی^۳ وجود دارد که هدفشان تبیین این است که چرا مردم مهاجرت می‌کنند. مسی (۱۹۹۰) و مسی و همکاران (۱۹۹۳) یک مرور عالی از نظریه‌ها را انجام داده‌اند که شروع مهاجرت را در کشورهای توسعه‌یافته همانند کشورهای در حال توسعه تبیین می‌کند. این نظریه‌ها در سه سطح مختلف کلان، میانی و خرد طبقه‌بندی شده‌اند. در سطح کلان نظریه‌های اقتصاد کلان نئوکلاسیک، بازار کار دوگانه، سیستمی جهانی، نهادی و سیستمی

1 Skeldon

2 Pull-push theory

3 Rational choice theory

مهاجرت جای می‌گیرند. نظریه‌های شبکه مهاجر، علیت تراکمی و جنسیت در سطح میانی طبقه‌بندی می‌شوند. تبیین‌های سطح خرد فرایند مهاجرت، نظریه‌های اقتصاد خرد نئوکلاسیک، اقتصاد جدید مهاجرت و نظریه انتظار ارزش را شامل می‌شود که این نظریه‌ها یا چارچوب‌های نظری با فرایند مهاجرت در سطح فردی و خانواری برخورد می‌کنند.

در مطالعات جامعه‌شناسی مهاجرت، آخرین تأکید بر تئوری شبکه اجتماعی^۱ است. در این مطالعات، نقش تسهیل‌کننده شبکه‌های مهاجر در مهاجرت افراد به‌طور ویژه‌ای برجسته شده است. مطالعات کمی (همانند کارهای مسی و اسپینوزا^۲ ۱۹۹۷؛ کوران و ریورو-فونتس^۳ ۲۰۰۳) اهمیت شبکه‌های اجتماعی را به‌عنوان مکانیسمی که مهاجرت را حتی بعد از کنترل تجربه مهاجرتی قبلی افراد، ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی فرد و خانوار و ویژگی‌های اجتماع مبدأ تسهیل می‌نماید، نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن ماهیت و نوع جریان‌های مهاجرت مورد مطالعه در این مقاله، از مبانی تئوری شبکه اجتماعی مهاجرت جهت تبیین جابه‌جایی مهاجران از استان آذربایجان شرقی به مقصد استان تهران استفاده می‌شود.

دجونگ و گاردنر^۴ (۱۹۸۱) و فاوست^۵ (۱۹۸۵) با به‌کارگیری یک تنوع مدل مفهومی و تحلیلی، تأثیرات سطح کلان را به فرایند تصمیم‌گیری به مهاجرت افراد پیوند داده‌اند. پیوندهای اجتماعی با خویشاوندان و دوستان، بخش مرکزی این مدل تحلیلی است. تماس‌های اجتماعی، شبکه‌های اطلاعات و مساعدت‌های اجتماعی و اقتصادی بین مناطق را نشان داده و تأثیرات مهمی در فرایندهای تصمیم‌گیری مهاجرت افراد دارند. نقطه شروع برای تحقیق در زمینه شبکه‌های اجتماعی مهاجران این است که عامل‌های ساختاری زمینه‌های تصمیم‌گیری مهاجرت توسط افراد یا گروه‌ها را فراهم می‌سازد. طبق دیدگاه ساختاری مهاجرت، «افراد در شبکه ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جابجا می‌شوند که زندگی آنها را شکل می‌دهد. شرایطی که آنها را از زادگاه‌شان بیرون رانده و به مقصدهای مهاجرتی جدید می‌کشاند» (استالکر ۱۳۸۰: ۲۹). در نظریه "جاذبه و دافعه"، مهاجرت به‌عنوان نتیجه عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مناطق فرستنده و دریافت‌کننده مهاجر فهمیده می‌شود. افراد از مناطق در حال رکود اقتصادی دفع شده و جذب مناطق مرفه می‌شوند. در چارچوب این نظریه (برجاس^۶ ۱۹۸۷؛ داوانزو^۸ ۱۹۸۱)، تصمیم‌گیری مهاجرت به‌وسیله مقایسه ارزش فعلی درآمد بین مناطق مبدأ و مقصد گرفته می‌شود. احتمال مهاجرت وقتی افزایش می‌یابد که انتظار می‌رود درآمد در منطقه مبدأ پایین باشد و یا در منطقه مقصد بالا باشد. پس، اگر دوستان و خویشاوندان در مناطق مبدأ قرار گرفته باشند در آن

1 Social network theory
2 Espinosa
3 Curran & Rivero-Fuentes
4 DeLong and Gardner
5 Fawcett
6 pull-push
7 Borjas
8 DaVanzo

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

صورت مهاجرت تضعیف می‌شود، ولی اگر آنها در منطقه مقصد مستقر باشند احتمال بیشتری وجود دارد که مهاجرت به طرف محل آنها (خویشان و دوستان) جهت‌یابی شود. بنابراین، وارد کردن شبکه‌های اجتماعی در تحلیل‌های مهاجرت، خطر برآمده از تحلیل‌های صرفاً در سطح خرد یا کلان را از بین می‌برد.

مطالعات بانرجی^۱؛ بوکر^۲؛ بوید^۳؛ فاوست^۴؛ ویلپرت^۴ ۱۹۹۲ نشان داده است که شبکه‌های اجتماعی عموماً یک تعیین‌کننده مهم در طرح‌های مهاجرت و انتخاب مقصد است. شبکه‌های اجتماعی براساس پیوندهای خویشاوندی، دوستی و محلی، مؤلفه مرکزی در تحلیل "نظریه سیستم مهاجرت" (بوید ۱۹۸۹) هم است. آنها بین کنشگران شخصی و عامل‌های ساختاری بزرگ‌تر واقع شده‌اند. آنها مناطق فرستنده و دریافت‌کننده مهاجر را به هم وصل می‌کنند. همچنین شرایط تداوم جریان مهاجرت را بعد از انگیزه اصلی برای مهاجرتی که به اتمام رسیده است، تبیین می‌کنند.

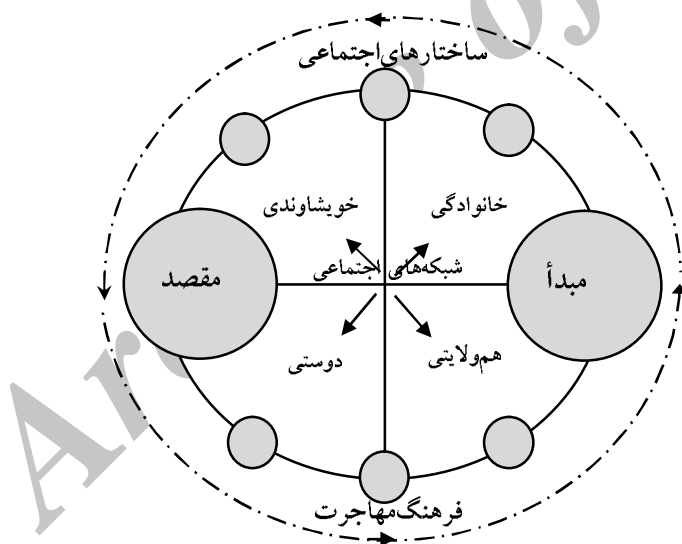
ازجانب دیگر، در دیدگاه سطح خرد مهاجرت، تصمیم به مهاجرت توسط زندگی و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. «هر مهاجر فردی خردمند انگاشته می‌شود که مقصدهای مختلفی که می‌تواند برود را ارزیابی می‌نماید و ترکیب بهینه‌ای از نرخ‌های دستمزد، تأمین شغلی و هزینه سفر را انتخاب می‌نماید. این رهیافت "سرمایه اجتماعی" نامیده می‌شود، زیرا هر شخص را می‌توان حاصل یک دسته سرمایه‌گذاری قلمداد کرد.» (استالکر ۱۳۸۰: ۲۸). در این پیوند مفهومی نظریه شبکه اجتماعی مهاجرت با مدل سرمایه اجتماعی، فرض می‌شود مهاجران برای به حداکثر رساندن بازده سرمایه انسانی‌شان، سرمایه اجتماعی‌شان در شبکه‌های بین فردی‌شان قرار می‌گیرد (اسپیتل^۵ ۱۹۹۸). در تئوری سرمایه اجتماعی فرض می‌شود که دسترسی به ارتباطات اجتماعی در قالب شبکه‌های مهاجر، هزینه جابه‌جایی را کاهش داده و مهاجرت به مکان‌هایی که همبستگی اجتماعی وجود دارد را افزایش می‌دهد (مسی و پالونی^۶ ۱۹۹۲). یعنی دسترسی به حمل و نقل ایمن، مسکن، کار و تعامل اجتماعی سبب افزایش احتمال مهاجرت می‌گردد.

در تلاش برای تبیین نحوه کار کردن شبکه‌های مهاجر، کوران و ساگوی^۷ (۲۰۰۱) سه مفهوم کلیدی: شبکه‌های التزام^۸، محرومیت نسبی^۹ و اعتماد^{۱۰} را به کار گرفته و به آن اشاره داشته‌اند. شبکه‌های التزام افراد (هم مهاجران و هم غیرمهاجران) را به هم وصل می‌کند، محرومیت نسبی مهاجرت را برمی‌انگیزد و اعتماد محتوی و شکل پیوندهای شبکه مهاجر را شکل می‌دهد. بهرحال، در مورد آنچه اثر شبکه اطلاق می‌شود دو تر

- 1 Banerjee
- 2 Boeker
- 3 Boyd
- 4 Wilpelt
- 5 Spittel
- 6 Massey and Palloni
- 7 Curran and Saguy
- 8 Networks of Obligation
- 9 Relative Deprivation
- 10 Trust

مخالف وجود دارد: تز اول فرضیه علت مشترک^۱ است که اظهار می‌دارد ارتباط بالای مهاجرت افراد متعلق به یک شبکه، واقعاً مدیون اثر نیروهای اجتماعی بزرگتری است که هر فردی را در شبکه برای مهاجرت تحت تأثیر قرار می‌دهد. افراد درون یک شبکه ممکن است توسط عامل‌های مشترک اندازه گرفته شده یا اندازه گرفته نشده تحت تأثیر قرار گیرند. تز دوم فرضیه خودگزینی^۲ است که طبق آن ممکن است برخی اثرهای انتخابی غیرتصادفی وجود داشته باشد که تبیین کند چرا شبکه‌ها مهم به نظر می‌رسند، درحالی‌که بخشی از فرایند خودگزینی است. بدین معنی، عامل‌های منتخب که عضویت شبکه را تعیین می‌کنند، ممکن است به‌طور همزمان با تمایل به مهاجرت در ارتباط باشند. نتایج برخی از مطالعات (قاسمی اردهائی ۱۳۸۵؛ مسی ۱۹۸۷؛ مسی و اسپانا^۳ ۱۹۸۷) نشان داده است، اگر شخصی با فردی که تجربه مهاجرت دارد در ارتباط باشند، احتمال مهاجرت وی بیشتر از فردی است که این ارتباطات را ندارند. علاوه بر این، خانوارهایی که از خویشاوندان‌شان در مناطق مقصد زندگی می‌کنند، یا اینکه اعضای با تجربه زندگی در آن مناطق دارند، احتمال اینکه مهاجرتی به آن مناطق بفرستند بسیار بیشتر از خانوارهایی است که چنین آشنایانی در مقصد ندارند.

تصویر ۱- پویایی مفهوم شبکه اجتماعی و پیوستگی مفهومی آن با فرهنگ مهاجرت



منبع: یافته‌های تحقیق

- 1 Common cause
- 2 Self selection
- 3 Espana

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

در نتیجه بسط شبکه‌ها نوعی فرهنگ مهاجرت^۱ توسعه پیدا می‌کند. با وجود اینکه نقش جریان معکوس اطلاعات و عقاید پیش از این توسط افرادی همانند راونشتاین، لی^۲ (۱۹۶۶)، موبانج^۳ (۱۹۷۰) و لویت^۴ (۱۹۹۸) تأیید شده‌است، حواله اجتماعی و فرهنگ مهاجرت^۵ به اشکال تغییر فرهنگی ایجاد شده توسط مهاجرت اشاره دارد. فرهنگ مهاجرت، مهاجرت را نتیجه گسترش شبکه‌ها بین مبدأ و مقصد در نظر می‌گیرد (تصویر ۱ ملاحظه گردد).

اصطلاح حواله اجتماعی (دهاس^۶ ۲۰۱۰) به ایده‌ها، رفتارها، هویت‌ها و سرمایه اجتماعی جاری از مناطق مقصد به مبدأ اشاره دارد. مهاجرت و رویارویی با فرصت‌ها و شیوه‌های زندگی در جای دیگر، می‌تواند تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری هویت، هنجارها و رفتار در اجتماعات فرستنده مهاجر داشته‌باشد. اگر مهاجرت ارتباط تنگاتنگی با موفقیت اجتماعی و مادی داشته‌باشد، در نتیجه مهاجرت به‌جای استثنا به هنجار تبدیل شده و ماندن در زادگاه می‌تواند با شکست همراه گردد. این امر بیشتر منجر به فرهنگ مهاجرت (مسی و همکاران ۱۹۹۳؛ ۱۹۹۸) می‌شود. مهاجرت متأثر از چنین تغییر فرهنگی می‌تواند آرزوها و رفتار مهاجرت را در امتداد جریان‌های مهاجرتی که وجود دارد، بیشتر تقویت نماید. مسئله این است که چنین تغییرات زمینه‌ای به‌وجود آمده از مهاجرت، مکانیسم‌های بازخوردی را شکل می‌دهد که از آن خودشان بوده و اثرات متقابلی در وقوع مهاجرت بعدی دارد (جدول ۲ ملاحظه گردد).

جدول ۲- مکانیسم‌های بازخورد زمینه‌ای شبکه‌های مهاجر با اجتماعات مبدأ و مقصد

سطح	اجتماعی	اقتصادی	فرهنگی
اجتماع مبدأ	الگوهای خوشه‌ای بر اساس فشرندگی اجتماعی و محرومیت‌نسی؛	توزیع درآمد؛	حواله‌های اجتماعی، فرهنگ مهاجرت؛
اجتماع مقصد	یکپارچگی و همانندسازی	تقاضای تولید و استخدام برای نیروهای کار مهاجر وجود آمده توسط خوشه‌های کسب و کار مهاجر	هویت فراملی، تقاضا برای شریک ازدواج

منبع: اقتباس از دهاس ۲۰۱۰: ۶

داده‌ها و روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده روش گروه‌های متمرکز^۷ است. به اعتقاد مورگان^۸ (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۶) اگر قرار باشد گروه‌های متمرکز بخش اصلی و سازنده یک تحقیق را شکل دهد، در این صورت تعداد گروه‌های انتخابی

- 1 Culture of Migration
- 2 Lee
- 3 Mabogunje
- 4 Levitt
- 5 Social Remittances and Cultures of Migration
- 6 de Haas
- 7 Focus groups
- 8 Morgan

نباید کمتر از شش گروه باشد. تنها فاکتور اصلی برای تصمیم‌گیری در مورد تعداد گروه‌های به کارگرفته شده (بدون توجه به هزینه و منابع) دامنه اشباع^۱ داده‌هاست. اینکه اطلاعات جدید کمتری بعد از اولین گروه‌ها قابل تصور باشد، به طوری که مدیر (محقق) بتواند گفته‌های مشارکت کنندگان را قبل از آنکه بگویند پیش‌بینی نماید در این مطالعه با تعداد هفت گروه این اشباع حاصل شده‌است. مطالعات پیشین (فالچ-لیون و تراست^۲ ۱۹۸۱؛ مورگان ۱۹۸۸) اندازه ایده‌آل گروه را بین شش تا ده نفر در نظر گرفته‌اند. در این مطالعه نیز تعداد هشت نفر به عنوان اعضای گروه انتخاب شده که مجموعاً ۵۶ نفر نمونه آماری را شامل می‌شود.

مطالعه مقدماتی محمودیان و قاسمی‌اردبائی (۲۰۱۲) بر روی مهاجران استان آذربایجان شرقی واقع در استان تهران براساس سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که شهرستان‌های هشت‌رود، سراب و میانه به ترتیب بیشترین مهاجرفرستی به استان تهران را نسبت به جمعیت‌شان داشته‌اند. این سه شهرستان با سهم ۱۰٪ از جمعیت استان آذربایجان شرقی، حدود ۴۰٪ مهاجران از این استان به استان تهران را شامل می‌شوند. شهرستان‌های استان تهران هم به یک اندازه پذیرای مهاجران از آذربایجان شرقی نبوده و در این میان شهرستان‌های رباط‌کریم، شهریار و اسلامشهر بیشترین سهم را نسبت به جمعیت‌شان و نیز نسبت به کل مهاجران وارد شده از دیگر استان‌ها داشته‌اند. به طوریکه این سه شهرستان با سهم ۱۷ درصدی از جمعیت استان تهران، حدود ۴۷٪ مهاجران استان آذربایجان شرقی را در خود جای داده‌اند. براین اساس و باتوجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، کل مهاجران مرد^۳ بالای ۲۰ سال در زمان مهاجرت با مبدأ شهرستان‌های سراب، میانه و هشت‌رود که در اواخر سال ۱۳۹۰ در شهرستان‌های اسلامشهر، رباط‌کریم و شهریار ساکن بودند، جامعه آماری را شامل می‌شود. باتوجه به اینکه روش گروه‌های متمرکز به ما کمک می‌کند تا بفهمیم یک گروه از مردم چرا و چگونه به یک نتیجه می‌رسند، در نتیجه واحدتحلیل در آن گروه (در اینجا گروه مهاجران) است.

نمونه‌گیری (از نوع هدفمند) مورد استفاده از نوع شبکه‌ای یا گلوله برفی^۴ بوده است که یکی از شایع‌ترین ترین نمونه‌گیری‌ها در تحقیق‌های کیفی است. باتوجه به اینکه هیچ چارچوب نمونه‌گیری از مهاجران شهرستان‌های سراب، میانه و هشت‌رود در سه شهرستان اسلامشهر، رباط‌کریم و شهریار در دسترس نبود و شناخت کمتری از کل جامعه آماری وجود داشت، از این روش نمونه‌گیری استفاده شده‌است. باتوجه به پرس‌وجوهای اولیه و با تکیه بر اطلاعات و دانسته‌های مطلعین محلی، نزدیک ۱۵ نفر با معیارهای روستا و شهر بودن مبدأ مهاجران، سن، مبدأ و مقصد مهاجران و مدت مهاجرت، در گستره سه شهرستان اسلامشهر، رباط‌کریم و شهریار انتخاب

1 Saturated

2 Folch-Lyon and Tros

۳ برخی از مطالعات که نقش جنسیت را در مهاجرت مطالعه کرده‌اند (کانت* ۱۹۹۲؛ فینچر*** ۱۹۹۳؛ دجونگ ۲۰۰۰؛ بویل*** ۲۰۰۲؛ هیرینگ**** و همکاران ۲۰۰۴)، نشان داده‌اند که درکل بیشتر مهاجران زن در تبعیت از همسرانشان دست به مهاجرت زده‌اند.

*. Chant ** Fincher *** Boyle **** Heering

4 Network or Snowball Sampling

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

شدند. با استفاده از اطلاعات در اختیار این افراد، بقیه مصاحبه شوندگان نیز در طول اجرای گروه‌های متمرکز شناسایی و انتخاب شدند.

داده‌های گروه‌های متمرکز براساس راهنمای بحث به دست آمده است. «راهنمای بحث نایستی یک پرسشنامه رسمی باشد. اگرچه در طول محور بحث بایستی موضوعات مشخص شده پوشش داده شوند، ولی مراحل بحث نایستی دقیقاً مشخص شده باشد» (فالچ-لیون و تراست ۱۹۸۱: ۴۴۶). باتوجه به نوع اطلاعات موردانتظار از گروه‌های متمرکز، شش سوال کلیدی باز برای هریک از مصاحبه‌ها در نظر گرفته شده و در مرحله بعد چندین سوال فرعی از این سوال‌های اصلی استخراج گردیده‌است. سوال‌ها در جریان طبیعی جلسه مصاحبه و به‌طور منظم و باترتیب منطقی به بحث گذاشته شده است. در نهایت، تحلیل و تفسیر داده‌ها براساس دو نوع کدگذاری آزاد و محوری انجام گرفته‌است. پیاده کردن گروه‌های متمرکز باتوجه به دستورالعمل استوارت و شامداسانی^۱ (۱۹۹۰) صورت گرفته‌است که خلاصه‌ای از مراحل آن را در زیر ملاحظه می‌کنیم:

- تعریف مسئله/ضابطه مند کردن پرسش تحقیق
- شناسایی چهارچوب نمونه
- شناسایی مدیر
- تولید و پیش آزمایش راهنمای مصاحبه
- به کارگیری نمونه‌ها
- هدایت گروه‌ها
- تحلیل و تفسیر داده‌ها
- نگارش گزارش

یافته‌های تحقیق

شیوه تحلیل‌ها با طرحی آغاز شده‌است که براساس آن توانستیم واکنش‌ها، نظرات و عقاید ضبط شده بر روی نسخه‌های رونویسی شده را کدگذاری و مقوله‌بندی کنیم. مقوله‌بندی باتوجه به سوال‌های در نظر گرفته شده در دستورالعمل و نیز سایر موارد دیگری که در جریان گفتگوهای گروه به شکل غیر منتظره‌ای مطرح شدند، انجام گرفته‌است. بنابراین، در مرحله اول کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها براساس اهداف و سوال‌های اصلی تحقیق صورت گرفته‌است (کدگذاری آزاد) و در مرحله دوم کدگذاری را با جزئیات بیشتر و باتوجه به علل، انگیزه‌ها و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و مهاجرتی مصاحبه شوندگان انجام داده‌ایم (کدگذاری محوری).

1 Stewart and Shamdasani

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱

در ادامه بحث، به مهمترین یافته‌های برآمده از گروه‌های متمرکز با محوریت "شبکه‌های اجتماعی مهاجرین و بازتوزیع فرهنگ مهاجرت" اشاره می‌گردد.

- ویژگی‌های زمینه‌ای نمونه مورد مطالعه

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مهاجران مورد بررسی نشان می‌دهد که بیشترین آنها خاستگاه روستایی داشته، به طوری که بالای ۷۰٪ مهاجران قبل از ورود به استان تهران در یکی از مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی سکونت داشته‌اند. بیشتر این مهاجران قبل از مهاجرت به شغل کشاورزی (بیشتر زراعت) مشغول بوده‌اند و با مهاجرت به شهر تهران در شغل‌هایی همانند کار ساختمانی (کارگر ساده، نقاش، بنا، گچ‌کار و غیره)، رانندگی، فروشندگی در سوپرمارکت، کارگری و کارمندی در سازمان‌ها و اداره‌های دولتی به کار گرفته شده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۷ سال بوده و به طور متوسط ۱۲ سال است که در مقصدهای انتخابی خود زندگی می‌کنند. برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و مهاجرتی مهم مهاجران مورد مطالعه در جدول شماره ۳ آورده می‌شود.

جدول ۳- توزیع نسبی پاسخگویان برحسب محل تولد، دامنه سنی و مبدأ، مقصد و مدت مهاجرت (مبنای درصد: ۵۶ نفر)

محل تولد %	مبدأ %	مقصد %	دامنه سنی %	مدت مهاجرت %
روستا ۷۱/۴	سراب ۳۵/۷	اسلامشهر ۳۲/۱	< ۲۵ ۱۴/۳	< ۵ ۳۲/۱
شهر ۲۸/۶	میانه ۳۲/۱	ریاطکریم ۳۹/۳	۲۵ - ۴۰ ۵۱/۸	۵ - ۲۰ ۳۵/۷
	هتتروند ۳۲/۱	شهریار ۲۸/۶	> ۴۰ ۳۳/۹	> ۲۰ ۳۲/۱

منبع: یافته‌های تحقیق

- مهاجران پیشگام از مناطق روستایی

یکی از هدف‌های اصلی از برگزاری گروه‌های متمرکز فهمیدن این مورد است که "از شهرستان‌های انتخابی استان آذربایجان شرقی اولین بار چه کسانی و با چه نیاتی وارد حومه‌های استان تهران شده‌اند؟" با توجه به برداشت‌هایی که از شش جلسه گروه‌های متمرکز به عمل آمد و نیز گفتگوی مستقیمی که در یک جلسه اختصاصی با ۸ مهاجر پیشگام انجام دادیم، می‌توان به برخی از مهمترین موارد اشاره نمود. تقریباً همه این مهاجران پیشگام منشأ روستایی داشته‌اند (و به دنبال آنها مهاجران دیگری از نقاط شهری و روستایی وارد شده‌اند)، در دامنه سنی بین ۲۰ الی ۳۰ سالگی و به تنهایی (بدون خانواده) دست به مهاجرت زده و جزو کسانی بودند که در خاستگاه‌های روستایی خود سطح زندگی پایین‌تری را نسبت به بقیه هم‌ولایتی‌های خود داشته‌اند. از نظر پایگاه اجتماعی (شغل و تحصیلات) نیز سطح پایین‌تری را نسبت به سایر هم‌ترازان روستایی خود داشتند. قبل از مهاجرت به استان تهران، اکثر آنها تجربه کار و زندگی در یک محیط غریبه (خارج از روستا و شهرستان خود) را داشته‌اند. مشکلات مربوط به شیوه امرارومعاش (که بیشتر از طریق زراعت بود) این مهاجران از جمله مواردی بود که می‌توان از آن به عنوان مهمترین دلیل مهاجرت آنها استنباط نمود. دیمی

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

بودن کشت زمین و خشکسالی‌های پی‌درپی، شرایط نامناسب جوی از جمله زمستان‌های بلندمدت، به فروش نرفتن محصولات کشاورزی، نبود زمین زراعی کافی برای امرارمعاش خانواده، فرار از گرسنگی و تلاش برای پرداخت بدهی‌های خود و خانواده پدری، از جمله این مشکلات معیشتی بودند. این مشکلات معیشتی برای همه مهاجران پیشگام مصداق داشت. در زمینه مهاجران باخاستگاه شهرستان سراب، علاوه بر مشکلات معیشتی، جاذبه‌های زندگی شهری نیز به‌عنوان محرک برای مهاجرت‌شان بود. دیدن ظاهر آراسته شهری‌هایی که به روستای آنها می‌آمدند و نیز ملاحظه رفاه نسبی زندگی شهری در دوران کوتاهی که به‌واسطه مسافرت، کار و خدمت سربازی در شهر بصر می‌بردند، انگیزه‌های اولیه برای مهاجرت به شهر بود.

محور دیگری که از مجموع بحث‌های مهاجران پیشگام می‌توان استخراج نمود این است که "چرا این مهاجران در حوالی شهرستان‌های رباط‌کریم، اسلامشهر و شهریار اقامت گزیده‌اند؟" شهرهای مهاجرپذیر استان تهران از آذربایجان شرقی ویژگی‌های خاصی داشتند که موجب گردید تا مهاجران اولیه به این مناطق مهاجرت نمایند. باید توجه داشت که برخی از این مهاجران در جاهای دیگری غیر از محل اقامت فعلی‌شان ساکن شده بودند، بعدها به مرور زمان تغییر مکان داده و در محل زندگی فعلی‌شان اقامت دائم کرده‌اند. همه مهاجران زمان مهاجرت خود را دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ شمسی بیان کرده‌اند که از لحاظ اولویت زمانی اول مهاجران شهرستان میانه و بعد هشتگرد و سراب قرار می‌گیرند. ارزانی قیمت زمین و مسکن، سهولت ساخت و ساز مسکن (بدون تشریفات شهرداری)، مسافت و جریان‌های مهاجرت به این مناطق و در نهایت احتمال دستیابی به شغل و درآمد از جمله مهمترین جاذبه‌های وقت مناطق مورد مطالعه بودند. ملاحظه می‌شود که مهاجران اولیه به این مناطق بیشتر بخاطر وضعیت بد اقتصادی و معیشتی و با توجه به اینکه در این شهرستان‌ها زمین ارزان بود، به این مناطق مهاجرت کرده‌اند. عامل جریان^۱ هم نقش مکملی در این رفتار مهاجرتی مهاجران پیشگام دارد. عامل جریان اشاره به رفتار توده مردم^۲ دارد که نوعی اثر تقلیدی است. اپستاین^۳ (۲۰۰۲) نشان داده است، هرچه تعداد افرادی که به منطقه خاصی مهاجرت کرده‌اند افزایش یابد، احتمال مهاجرت افراد جدید به همان مناطق نیز افزایش می‌یابد. مهاجران پیشگام مورد مطالعه نیز در انتخاب مقصد، به‌طور تقریبی از این اصل مستثنی نبودند.

سیستم پادرونی^۴ اشاره شده توسط مک‌دونالد و مک‌دونالد^۵ (۱۹۶۴) در اینجا هم به نوعی در میان مهاجران پیشگام دیده می‌شود. این مهاجران که در جوانی خودشان به این مناطق از استان تهران آمده بودند، در

1 Flow

2 herd behavior

3 Epstein

۴ Padroni پادرونی کارفرمایی است که مهاجران وارد شده از ایتالیا را مزد می‌دهد، اشتغال و خدمات متعدد دیگر را برای تازه واردان منزوی در آمریکا تهیه نموده و آنها را وابسته به خود می‌نماید پادرونی بعنوان یک صاحبخانه، سرکارگر، مترجم یا مشاور حقوقی می‌تواند عمل نماید پادرونی یک پدر خوب برای مهاجرانی است که به آنها کمک شده‌است.

5 MacDonald and MacDonald

زمینه کاریابی و تأمین مسکن توسط برخی از افراد صاحب نام آن منطقه حمایت شده و در نتیجه این حمایت، این جوانان مهاجر خانواده خود را نیز به این مناطق آوردند. متعاقب آن، بیشتر ازدواج‌های جوانان بین این سیستم مهاجرت رخ داده و این باعث شده‌است که ازدواج‌ها در درون این همشهری‌ها صورت گیرد. این امر خود تسلسل این جریان‌های مهاجرت را موجب گردیده‌است.

- ایجاد پیوند بین مناطق مبدأ و مقصد- شبکه‌های مهاجر

مهاجران اولیه‌ای که از استان آذربایجان شرقی وارد استان تهران شده‌بودند، با آوردن خانواده‌های روستایی خود به آن مناطق و نیز در برخی از موارد با تشکیل خانواده جدید در مقصدهای انتخابی، زمینه اولیه روابط جهت‌دار بین مناطق مبدأ و مقصد را به‌وجود آوردند. اکثر مهاجران پیشگام معتقد بودند که در همان سال(ماه‌های اولیه مهاجرت، در اکثر مراسم‌های محلی، مذهبی و ملی واقع در مبدأشان (همانند عروسی، ختم، عزاداری ماه محرم و عیدنوروز) شرکت می‌کردند. همچنین، اشتیاقی که بومیان روستایی جهت دیدن پایتخت داشتند، موجب می‌گردید که آشنایان نزدیک و حتی دور مهاجران اولیه، در همان سال اول بیشتر به بهانه‌های صله‌ارحام، درمان و زیارت قم به خانه‌های آنان بیایند. مسافرت‌هایی که به دلیل وجود این مهاجران در بین دو نقطه جغرافیایی مبدأ و مقصد انجام می‌گرفت، موجب گردید تا دامنه این روابط و رفت‌وآمدها گسترده و تشدید گردد.

بنابراین، هسته اولیه ایجاد روابط پایدار بین مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر از استان آذربایجان شرقی به استان تهران همین مهاجران پیشگام بوده‌اند. در مرحله بعد، این مهاجران پیشگام خود در نقش سیستم پادرونی مک-دونالد و مک‌دونالد عمل نموده و به هسته شبکه مهاجران بین استان آذربایجان شرقی و استان تهران تبدیل شدند. عمده افراد هسته‌ای این شبکه‌ها، ضامن تازه‌واردها جهت پیدا کردن کار و مسکن بودند. هم در ضمانت‌های رسمی (برای بنگاه‌های املاک) و هم غیررسمی (پیدا کردن کار)، ضمانت این پیشگامان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

عمده جلسات گروه‌های متمرکز (۶ جلسه) در زمینه شناسایی تأثیرپذیری جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران از شبکه‌های اجتماعی مهاجران بوده‌است. کدگذاری محوری که بر روی مصاحبه‌ها اعمال شده‌است، به راحتی تأثیرگذاری این متغیر اجتماعی را با دامنه و شدت بیشتر نشان می‌دهد. در زمینه دلایل مهاجرت افراد از استان آذربایجان شرقی، بیشترین تأکید بر روی علت‌های نداشتن منبع مالی مناسب (کشت دیم اکثر زمین‌های کشاورزی، بروز خشکسالی و به فروش نرفتن محصولات کشاورزی، عامل اصلی این تضعیف منبع مالی بوده‌است)، چشم‌هم‌چشمی، جاذبه‌های شهری، تشویق دوستان و آشنایان، نداشتن شغل، جستجوی کار بهتر، نبود حداقل امکانات رفاهی، درمانی و آموزشی، تنها ماندن، خالی از سکنه شدن مناطق روستایی و شرایط نامناسب جوی و جغرافیایی، بوده‌است. البته این دلایل در ارتباط با مدت مهاجرت مصاحبه‌شوندگان بوده‌است. کسانی که از اواسط دهه ۱۳۷۰ به بعد مهاجرت کرده‌بودند، بیشتر به دلایل برآمده از شبکه‌های اجتماعی همانند تشویق آشنایان و دوستان، چشم‌هم‌چشمی، تنها ماندن و خالی از سکنه شدن روستاهای مبدأشان اشاره داشته‌اند، درحالی‌که مهاجران با تاریخ مهاجرت قبل از دهه ۱۳۷۰، به سایر دلایل (از جمله منبع مالی نامناسب و شرایط نامناسب جوی و جغرافیایی) تأکید

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

داشته‌اند. با وجود این مجموعه دلایل متنوع، برداشت کلی از مجموع جلسه‌های برگزار شده این بود که وجود فامیل، دوست و هم‌روستایی در استان تهران نقش مهمی در تصمیم به مهاجرت افراد مصاحبه شونده داشته‌است. در برخی از این جلسات در همان کدگذاری آزاد به تأثیرگذاری عامل شبکه‌های اجتماعی رسیدیم و در برخی دیگر کدگذاری محوری ما را به این عامل رساند.

در جمعیت‌شناسی، مطالعه جریان‌های مهاجرت از اهمیت بالایی برخوردار است. اینکه چرا افراد از مبدأهای جغرافیایی خاص به مقصدهای خاصی مهاجرت نموده و تشکیل خوشه‌های مهاجر می‌دهند؟ در مورد این مقاله، "چرا مهاجران از مناطق روستایی شهرستان‌های سراب، میانه و هشترود صرفاً شهرستان‌های اسلامشهر، رباط‌کریم و شهریار را به‌عنوان مقصد مهاجرتی خود انتخاب نموده‌اند؟" در این مورد، گروه‌های مهاجر شرکت کننده در گروه-های متمرکز از اصطلاح‌های خاص که برآمده از فرهنگ بومی خودشان است، استفاده نمودند. مهاجران هشترودی اصطلاح‌های "همشهری"، "همبستگی" و "تعصب"، مهاجران سرابی اصطلاح‌های "روحیه"، "صمیمیت" و "اتحاد" و مهاجران میانه‌ای اصطلاح‌های "اتحاد" و "خونگرم" را به‌کار گرفتند. این اصطلاحات به خوبی به ماهیت پیونددهنده شبکه‌های مهاجر اشاره دارد. در مرحله بعد از به‌کارگیری این اصطلاحات (که نمایانگر روح شبکه مهاجرین است) به وجود افراد همانند خویشاوندان نزدیک، دوست، همسایه و هم‌ولایتی اشاره شد. در هیچ‌کدام از گروه‌های متمرکز، مهاجران به صورت مستقل مقصدهای خود را انتخاب ننموده و در همه آنها انتخاب مقصد بخاطر وجود حداقل یک خویشاوند و آشنای نزدیک بوده‌است. در همه بحث‌ها، وجود خویشاوندان نزدیک در مقصد فعلی به‌عنوان علت انتخاب محل اقامت، بیشترین تکرار را داشته است. بعد از آن، در میان مهاجران با منشأ شهرستان سراب وجود دوست و همسایه، و در میان مهاجران با منشأ شهرستان هشترود وجود هم‌ولایتی، بیشترین تکرار را داشته‌است. مفاهیم برآمده از مجموع گروه‌های متمرکز نشان می‌دهد که وجود یک روح جمعی در جهت‌دادن جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی (بیشتر از مناطق روستایی) به استان تهران مؤثر بوده‌است که از آن بعنوان "اترگذاری شبکه مهاجر" تعبیر می‌شود.

البته باید توجه نمود که تعداد قابل توجه مهاجران آذربایجان شرقی در شهرستان‌های مورد مطالعه برای اولین بار نبوده‌اند که دست به مهاجرت زده باشند بلکه اینها با مبدأ استان آذربایجان شرقی، طی مهاجرت‌شان به استان تهران چندین بار دست به این رفتار مهاجرت زده‌اند. اول به نقاط ارزان قیمت آمده و بعد از طریق آشنایی با دوستان و آشنایان‌شان از وضعیت جای دیگر، دست به این انتخاب زده‌اند. بنابراین، مهاجران به دلیل تجربه مهاجرت و گذار از ریسک‌های مهاجرت، برای مهاجرت‌های بعدی نیز آماده بوده و پتانسیل مهاجرت‌های بعدی بیشتری دارند. این امر تداوم مهاجرت با مقصدهای احتمالی جدید را برای این مهاجران در آینده خبر می‌دهد.

- تداوم مهاجرت بین مناطق مبدأ و مقصد- فرهنگ مهاجرت

شبکه‌های مهاجرتی که با محوریت مهاجران پیشگام بین دو استان آذربایجان شرقی و تهران ایجاد شده است، نقش مهمی در تداوم جریان‌های مهاجرتی مورد مطالعه دارد. این جریان تقریباً از اوایل دهه ۱۳۶۰ آغاز شده‌است و در

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱

طول دو دهه بعدی نیز همچنان به پویایی خود ادامه داده است. با وجود اینکه بیشتر گستردگی را در دهه ۱۳۷۰ داشته است، ولی در دهه ۱۳۸۰ نیز شاهد جابجایی‌های جمعیتی از طریق این جریان مهاجرتی بوده‌ایم. مسلماً این جریان مهاجرتی توأم با انتقال ایده‌ها، رفتارها و شیوه‌های زندگی هم در مناطق مبدأ و هم مقصد است. در تبیین علل مهاجرت بحث گردید که تأثیرپذیری از مهاجران برگشته به مناطق روستایی از جمله علل مهاجرت گروه‌های مهاجر بوده است. وجوه ارسالی توسط مهاجران، تیپ‌های تهرانی که مهاجران در مناطق روستایی می‌زدند و همچنین پرستیژ اجتماعی که از مهاجران متصور می‌شد، در ارتباط با شبکه‌های مهاجران و سیستم‌های مهاجرت تأثیر مهمی در انگیزش مهاجران برای مهاجرت به مقصدهای انتخابی داشته است.

مهاجران روستایی قسمتی از درآمد خود را جهت بهبود رفاه خانواده‌هایشان و در آباد کردن مُلک و زمین‌های زراعی‌شان به مناطق روستایی می‌فرستند. در همه گروه‌های متمرکز، اتفاق آراء برای این بود که همه افراد حاضر در جلسه مصاحبه و نیز اکثر سایر مهاجران سرپرست خانوار، تعلق مالی (خانه، زمین زراعی و باغ) در مبدأهای روستایی خود دارند و قسمتی از درآمد خود را شخصاً و یا از طریق افراد دیگری در روستا صرف آبادانی آن می‌کنند. این وجوه ارسالی مهاجران موجب گردیده است که شیوه زندگی مهاجران و خانواده‌های تحت پوشش آنها متمایزتر از سایر ساکنین روستایی گردد. آبیاری بارانی و قطره‌ای، خانه‌های دو، سه طبقه به سبک شهری، باغداری صنعتی، استفاده از ماهواره در خانه‌های روستایی، از جمله مواردی بودند که مهاجران بیان می‌داشتند برای اولین بار اینها، یا مهاجران دیگر قبل از اینها به خاستگاه روستایی خود برده‌اند. این اشاعه فرهنگ مادی و متعاقب آن گستردگی فرهنگ معنوی ناشی از آن، همانند سبک‌های زندگی، نوع پوشش و شیوه‌های تغذیه، موجب گردیده است شیوه‌های زندگی مهاجران نسبت به بومیان روستایی بهتر و مناسب‌تر جلوه نماید. این امر زمینه تحریک مهاجران بیشتر را به مقصد استان تهران فراهم نموده است. مسلماً تداوم این زنجیره علی مهاجرت در اثر وجود شبکه‌های مهاجر امکان‌پذیر بوده است.

مهاجرت برگشتی از طریق دیدار مهاجرانی که در مقصدهای دور ساکن شده‌اند، شرکت مهاجر در مراسم‌های مذهبی (به خصوص ماه محرم) و ملی (عید نوروز) که مناطق فرستنده و گیرنده مهاجر را به هم پیوند می‌دهد، ازدواج‌هایی که التزامات خویشاوندی را بین مناطق مبدأ و مقصد نگه می‌دارد، شبکه‌های اجتماعی مهاجران را در طول زمان و سرتاسر مناطق مبدأ و مقصد ابقاء می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که مهاجرت برگشتی و وجوه ارسالی از جمله راه‌های نگه‌داشت شبکه‌های مهاجر و در نتیجه آن جریان مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران بوده است.

تأثیرگذاری این شبکه‌های مهاجر در تخلیه جمعیتی مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی به‌حدی بوده است که برخی از مناطق روستایی خالی از سکنه شده و تعداد زیادی نیز بیش از سه چهارم جمعیت خود را از دست داده‌اند. در میان آباد (از شهرک‌های اسلامشهر) در حالی بالای ۱۵۰ خانوار از عربلو (روستایی در هشتروند) زندگی می‌کنند که هم‌اکنون تنها یک خانوار در عربلو ساکن است. از روستای رازلیق (روستایی در سراب) بیش از ۱۰۰

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

خانوار در شهرک‌های مختلف رباط‌کریم و بیش از ۵۰۰ خانوار در منطقه خاک سفید تهران زندگی می‌کنند. در روستای آفکند میانه (که اخیراً شهر شده است) درحالی نزدیک به دو هزار نفر زندگی می‌کنند که در روز عاشورا هیئت عزاداری کاغذکنان صالح آباد (از شهرک‌های رباط‌کریم) برای حدود سه هزار آفکندی تنها در محدوده شهرک‌های صالح‌آباد، گلستان و سیزدهشت رباط‌کریم غذا توزیع می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

مونشی (۲۰۰۳) یک همبستگی منفی در سطح قوی بین میزان بارندگی در مناطق روستایی و میزان مهاجرت به مناطق شهری را استنباط نموده است. میزان بارندگی و دیگر صدمات اجتماع بر نابرابری اجتماعی و میزان‌های مهاجرت تأثیرگذار است. از این نابرابری‌های اجتماعی می‌توان به‌طور خاص به مهاجرت‌های صورت گرفته در شهرستان هشتگرد و همچنین بخش کاغذکنان شهرستان میانه اشاره کرد. بیشتر مهاجران (پیشگام و تبعی) از این مناطق به این نابرابری‌ها تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. در گذر زمان، این نابرابری‌ها توأم با اثرات شبکه گردیده و در نتیجه مهاجرت‌های زنجیره‌ای را شکل داده‌اند. مهاجران جوان نسل اول (سرشاخه‌های مهاجران) از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران را می‌توان به‌عنوان "استراتژی بقاء آشکار" (والکر^۱، ۲۰۱۰) عنوان کرد. این مهاجران از مناطق روستایی و شهرهای کوچک جهت رسیدن به حداقل‌های زندگی (همانند درآمد اولیه و اشتغال) دست به مهاجرت زده‌بودند. اینها یا کاملاً تصادفی و یا در اثر رفتار توده مردم دست به انتخاب مقصد مهاجرتی زده‌بودند. رفتار توده استنباط شده از گروه‌های متمرکز اشاره به این دارد که "من جایی رفتم که ملاحظه کردم مردم‌های دیگری از همین منطقه (استان/شهرستان) به آنجا می‌روند، زیرا تمام آنهایی که قبل از من رفته‌اند نمی‌توانند اشتباه کرده باشند." این رفتار توده‌های مردم مستلزم کاستن اطلاعات خصوصی برای دنبال کردن دیگران است.

حال، اگر یک تعداد مهاجر از یک منطقه جغرافیایی واحد در مقصد مشترکی اقامت گزینند، در نتیجه همین انتخاب خاص یک‌سری "ساختارهای اجتماعی" همراه با قدرت تعیین‌کنندگی خودشان به‌وجود خواهند آورد. "مؤلفه تاریخیچه مهاجرت روستا"^۲ (بائر^۳ و همکاران ۲۰۰۶) که به‌طور عمده اطلاعاتی در زمینه بازار کار، استخدام-های خاص و بازار مسکن واقع در منطقه میزبان که به مبداهای روستایی رسیده‌است را شامل می‌شود، اشاره به همین ساختارهای اجتماعی دارد. در اثر همین قدرت ساختارهای به‌وجود آمده است که مهاجران پیشگام نفوذ زیادی را در مورد انتخاب محل اقامت مهاجران بعدی (آنهایی که تمایل به دنباله‌روی مسیرهای آشنا دارند) به‌دست می‌آورند.

از مسائل این شبکه‌های مهاجرت (مهاجرت زنجیره‌ای) می‌توان به "اثرات فرهنگی مهاجرت" اشاره کرد که خود مهاجرت بیشتر را موجب می‌گردد. این مهاجرت‌ها بیشتر متأثر از تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاصل از جریان‌های مهاجرت قبلی است. محققان (از جمله دهاس ۲۰۱۰) اظهار کرده‌اند که قرار گرفتن در معرض ثروت و

1 Walker
2 The Village Migration History Component
3 Bauer

سبک زندگی مهاجران (برگشتی) می‌تواند به تغییر سلیقه‌های روستایی کمک کند. آن می‌تواند افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی و کاهش تقاضا برای کالاهای تولیدشده محلی را موجب گردد، که در نتیجه آن اقتصاد محلی بیشتر تضعیف شده و هزینه‌های زندگی افزایش می‌یابد. بنابراین، افزایش نیاز به کالاهای مصرفی می‌تواند نیاز به مهاجرت را جهت پاسخگویی به آنها افزایش داده و در نتیجه فرهنگ مهاجرت ابقاء گردد. فرهنگ مهاجرت ایجاد شده در مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی موجب شده است که تعداد زیادی از مهاجرت‌های موقعیتی از این مناطق صورت گیرد. به طوری که اکثر مهاجران تبعی با توجه به فرصت و موقعیتی که پیش آمده بود، اقدام به مهاجرت کرده بودند. این موقعیت، بیشتر در اثر رفت و آمد با مهاجران و مناطق مهاجرپذیر تهران و در برخی موارد در اثر رفتار توده‌های مردم به آنها دست داده بود.

الگوی اکثر مهاجرت‌های مورد بررسی خانواری بوده و این واحد خانوار (مطابق با دیدگاه اقتصاد جدید مهاجرت) بوده است که جهت حفظ و بقای خویش به این جریان‌های مهاجرتی روی آورده است. خانواری بودن نوع مهاجرت‌هاست که موجب گردیده برخی از خانوارهایی که از مبدأ خاصی می‌آیند، ممکن است همه پیوندها (گروه-ها)ی خود را با خاستگاهشان قطع کنند. این امر زمینه خالی از سکنه شدن بسیاری از روستاهای مهاجرفرست استان آذربایجان شرقی را موجب گردیده است. با توجه به نتایج برآمده از گروه‌های متمرکز، گروهی از این مهاجران وضعیت فعلی خود را بد توصیف کرده و احتمال می‌دادند که در آینده‌ای نزدیک به مبدأ خود برگردند. بین این تمایل بازگشت به مبدأ و تعداد خویشاوند و آشنا و نیز تعداد جمعیت واقع در مبدأ روستایی می‌توان یک همبستگی مثبت متصور شد. مهاجرینی که روستاهای‌شان خالی از سکنه شده بود و نیز آنهایی که تعلق خویشاوندی در محل تولد خود نداشتند، به هیچ وجه حاضر نبودند به مبدأهای روستایی خود بازگردند، اگرچه اکثر آنها تعلق‌های مالی در آنجا داشتند. بنابراین، تقویت روابط و پیوندهای مهاجران با خاستگاهشان از طریق تحریک‌کننده‌های محلی (مراسم‌های عروسی، زیارتی و عزاداری)، مذهبی (عزاداری دهه محرم) و ملی (عید نوروز) از جمله ابزارهایی است که می‌توان انگیزش مهاجران را جهت برگشت به مناطق روستایی برانگیخت.

منابع

- آسایش، حسین (۱۳۶۴). بررسی مسایل اقتصادی و اجتماعی روستاهای هشترود، تبریز: موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشکده ادبیات تبریز.
- استالکر، پیتر (۱۳۸۰). کار در غربت: پیمایشی در مهاجرت بین‌المللی نیروی کار. ترجمه فرهنگ ارشاد، موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- بشیری، عباس (۱۳۸۵). بررسی مهاجرت برون منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی: دانشگاه تربیت مدرس.

شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی ...

- بیگم‌محمدی، حسن و مجتبی حانمی (۱۳۸۹). «تحلیل جغرافیایی روند مهاجرت در استان آذربایجان شرقی (۸۵-۱۳۶۵)»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۰، صص ۲۳-۴۲.
- قاسمی اردهائی، علی (۱۳۸۵). تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران: بررسی مقایسه‌ای دانشجویان غیر تهرانی دانشگاه‌های تهران، شیراز و مازندران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.
- قرخلو، مهدی و کیومرث حبیبی (۱۳۸۵). «تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱، صص ۵۹-۸۳.
- محمودیان، حسین، حجه‌بی‌بی رازقی‌نصرآباد، محمدرضا کارگرشورکی (۱۳۸۸). «زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران». پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، صص ۵۱-۷۰.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵.
- مرکز پژوهش، سنخ‌ش و اسناد ریاست‌جمهوری (۱۳۹۰). اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷. تهران: خانه کتاب.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۵). تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران. تهران: دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی وزارت.

- Banerjee, B. (1983). "Social Networks in the Migration Process: Empirical Evidence on Chain Migration in India." *The Journal of Developing Areas*, 17(2): 185-196.
- Bauer, T, G. S. Epstein, and I. N. Gang (2006). *The Influence of Stocks and Flows on Migrants*. Working Paper, Bar Ilan University.
- Bocker, A. (1994). "Chain Migration over Legally Closed Borders: Settled Immigrants as Bridgeheads and Gatekeepers." *The Netherlands Journal of Social Sciences*, 30(2): 87-106.
- Borjas, G.J. (1987). "Self-Selection and the Earnings of Immigrants." *American Economic Review*, 77: 531-553.
- Boyd, M. (1989). "Family and Personal Networks in International Migration: Recent Developments and New Agendas." *International Migration Review*, 23(3): 638-670.
- Boyle, P. (2002). "Population Geography: Transnational Women on the Move." *Progress in Human Geography*, 26 (4): 531-543.
- Carrington, W.J., E. Detragiache, and T. Vishwanath (1996). "Migration with Endogenous Moving Costs." *American Economic Review*, 86: 909-930.
- Castles, S., and M.J. Miller (2009). *The Age of Migration*. Basingstoke, Macmillan.
- Chant, S. (1992). *Gender and Migration in Developing Countries*. London and New York: Belhaven Press.
- Curran, S., and A. Saguy (2001). "Migration and Cultural Change: A Role for Gender and Social Networks?" *Journal for International Women's Studies*, 2(3): 54-77.
- Curran, S.R., and E. Rivero-Fuentes (2003). "Engendering Migrant Networks: the Case of Mexican Migration." *Demography*, 40(2): 289-307.
- Da Vanzo, J. (1981). "Repeat migration, Information Costs, and Location Specific Capital." *Population and Environment*, 4(1): 45-73.
- de Haas, H. (2010). "The Internal Dynamics of Migration Processes: A Theoretical Inquiry." *Journal of Ethnic and Migration Studies*, First published (iFirst): 1-31.
- DeJong, G. (2000). "Expectations, Gender and Norms in Migration Decision-making." *Population Studies*, 54(3): 307-319.
- DeJong, G.F., and R.W. Gardner (1981). *Migration Decision Making: Multidisciplinary Approaches to Microlevel Studies in Developed and Developing Countries*. New York: Pergamon Press.
- Epstein, G.S. (2002). *Informational Cascades and Decision to Migrate*. Working Paper, Bonn.
- Espinosa, K., and D. Massey (1997). "Undocumented Migration and the Quantity and Quality of Social Capital." *Soziale Welt*, 12: 141-162.
- Fawcett, J. (1985). "Migration Psychology: New Behavioral Models." *Population and Environment*, 8(2):5-14.
- Fawcett, J. (1989). "Networks, Linkages, and Migration Systems." *International Migration Review*, 23(3): 671-680.
- Fincher, R. (1993). "Commentary, Gender Relations and the Geography of Migration." *Environment and Planning*, 25(12): 1703-1715.
- Folch-Lyon, E. and J.A. Trost (1981). "Conducting Focus Group Sessions." *Studies in Family Planning*, 12 (12): 443-449.

- Harris, J. R., and M. P. Todaro (1970). "Migration, Unemployment, and Development: A Two Sector Analysis." *American Economic Review*, 60: 126-142.
- Heering, L., R. Van der, and L.V. Wissen (2004). "The Role of Family Networks and Migration Culture in the Continuation of Moroccan Emigration: A Gender Perspective." *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 30(2): 323-337.
- Lee, E.S. (1966). "A Theory of Migration." *Demography*, 3(1): 47-57.
- Levitt, P. (1998). "Social Remittances: Migration Driven Local-level Forms of Cultural Diffusion," *International Migration Review*, 32(4): 926-948.
- Mabogunje, A.L. (1970). "Systems Approach to a Theory of Rural-urban Migration." *Geographical Analysis*, 2(1): 1-18.
- MacDonald, J.S., and L.D. MacDonald (1964). "Chain Migration, Ethnic Neighborhood Formation, and Social Networks." *The Millbank Memorial Fund Quarterly*, 42: 82-97.
- Mahmoudian, H., and A. Ghasemi-ardahae (2012). *Migration from East-Azerbaijan Province to Tehran Province During 1996-2006: Effects of Social Networks and Socio-economic Status*. Conference paper, The 2nd Asian Population Association Conference, 26-29 August 2012, Bangkok, Thailand.
- Massey, D. S., J. Arango, G. Hugo, A. Kouaouci, and J. E. Taylor (1993). "Theories of International Migration: A Review and Appraisal," *Population and Development Review*, 19(3): 431-466.
- Massey, D. S., J. Arango, G. Hugo, A. Kouaouci, and J. E. Taylor (1998). *Worlds in Motion: Understanding International Migration at the End of the Millennium*. Oxford: Clarendon Press.
- Massey, D.S. (1987). "Understanding Mexican Migration to the United States." *American Journal of Sociology*, 92: 1372-1403.
- Massey, D.S. (1990). "Social Structure, Household Strategies, and the Cumulative Causation of Migration." *Population Index*, 56: 3-26.
- Massey, D.S., and A. Palloni (1992). *Studying Network Migration with Multistate Hazards Models*, Working Paper.
- Massey, D.S., and F. Espana (1987). "The Social Process of International Migration." *Science*, 237: 733-738.
- Massey, D.S., and K.E. Espinosa (1997). "What's Driving Mexico-U.S. Migration? A Theoretical, Empirical, and Policy Analysis." *American Journal of Sociology*, 102(4): 939-999.
- Mckenzie, D., and A. Rapoport (2007). "Hillel, Network effects and the Dynamics of Migration and Inequality: Theory and Evidence from Mexico." *Journal of Development Economics*, 84: 1-24.
- Morgan, D.L. (1988). *Focus Groups as Qualitative Research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Morgan, D.L. (1996). "Focus Groups." *Annual Review of Sociology*, 22: 129-152.
- Munshi, K. (2003). "Networks in the Modern Economy: Mexican Migrants in the U.S. Labor Market." *Quarterly Journal of Economics*, 118(2): 549-599.
- Ranis, G. and J. C. Fei (1961). "A Theory of Economic Development." *American Economic Review*, 51: 533-565.
- Ritchey, P.N. (1976). "Explanations of Migration." *Annual Reviews in Sociology*, 2: 363-404.
- Sjaastad, L.A. (1962). "The costs and returns of human migration." *The Journal of Political Economy*, 70(5): 80-93.
- Skeldon, R. (1997). *Migration and Development: A Global Perspective*. Harlow: Longman.
- Spittel, M. (1998). *Testing Network Theory through an Analysis of Migration from Mexico to the United States*. Masters of Science Thesis, Center for Demography and Ecology, University of Wisconsin-Madison.
- Stewart, D.W. and P.N. Shamasani (1990). *Focus Groups: Theory and Practice*. London: Sage.
- Todaro, M. P. (1969). "A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries." *American Economic Review*, 59: 138-148.
- Todaro, M. P., and L. Maruszko (1987). "Illegal Migration and US Immigration Reform: A Conceptual Framework." *Population and Development Review*, 13: 101-114.
- Uhlenberg, P. (1973). "Noneconomic Determinants of Nonmigration: Sociological Considerations for Migration Theory." *Rural Sociology*, 38: 296-311.
- Walker, Ch. (2010). "Space, Kinship Networks and Youth Transition in Provincial Russia: Negotiating Urban-Rural and Inter-Regional Migration." *Europe-Asia Studies*, 62 (4): 647-669.
- Wilpert, C. (1992). "The Use of Social Networks in Turkish Migration to Germany." in Kritiz, M.M., L. Lin and H. Zlotnik (eds) *International Migration Systems*. London: Clarendon Press, 177-189.